در سومین کنگره حزب اتحاد ملت مطرح شد

نه به تک‌صدایی و نه به حذف رقیب

آسو محمدی

در پیاده‌رو بزرگراه ستاری، جلو درِ سالن همایش زیر درختی نشسته‌ام و «عبور» را می‌پایم. همیشه عجله دارد؛ بهزاد نبوی با عصای مشکی همیشگی و قامت خمیده‌اش تنها و باشتاب از پیاده‌رو می‌آید. نرسیده به دَرِ ورودی سالن به تور عابری می‌افتد. با لبخند به دوربینش، با او سلفی می‌گیرد. سعید حجاریان آرام‌آرام همراه با ویلچر و چند نفر از همراهانش می‌رسد و در پی او هم اعظم طالقانی. «چهره» است که می‌آید. مراسم، میعاد کنشگران سیاسی- مدنی است که امروز در ایران به اندیشه سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه رسیده و قدم در راه فعالیت حزبی گذاشته‌اند. حضور حداکثری جمعیت جوان در این کنگره، گواه بر پیدایش صورت‌بندی جدیدی از فعالیت سیاسی، اجتماعی و صنفی در چشم‌انداز حزب اتحاد است؛ حزبی که حامل تجربه‌های نسلی از کنشگران سیاسی است که انگاره‌های گفتمان اصلاحات را تداعی می‌کنند.

دو سال پس از تأسیس حزب اتحاد ملت در مردادماه سال ۹۴، پنجشنبه گذشته سومین کنگره این حزب با تأکید بر مفاهیم بنیادین اصلاحات و میزبانی از شخصیت‌ها و فعالان اصلاح‌طلب در سراسر ایران برگزار شد. در این کنگره با توجه به پایان دوره دوساله، شورای مرکزی، هیئت داوری و دبیرکل نیز مشخص شدند.

آغازگر رسمی سومین کنگره حزب اتحاد، پیام رئیس دولت اصلاحات بود که از سوی هادی خانیکی، قرائت شد. در این پیام بر گفت‌وگو و تعامل میان احزاب تأکید، شده بود.

در ادامه، علی شکوری‌راد با بیان اینکه پیروزی بزرگ و معنادار سیاسی، در انتخابات سال ۹۶، حاصل درک واقع‌بینانه و مشارکت فعال احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب و همگرایی آنها با هم بود، گفت: سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان که مهم‌ترین عامل قدرت اصلاح‌طلبان است، برآمده از اعتماد ملت و رأی مردم برای حضور آنان در هر مقام و منصب و موقعیتی است. باید بر این سرمایه افزود چون بدون بقا و دوام آن فرایند اصلاح‌طلبی نیز به خطر خواهد افتاد.

دبیرکل حزب اتحاد ملت بیان کرد: «حزب در طول این مدت توانسته است، با نهایت همگرایی و حسن همکاری در همه شوراها و نهادهای اصلاح‌طلبانه حضور داشته باشد و بدون هیچ‌گونه چشمداشتی خود را به خرد جمعی و کنش‌های مشارکتی ملتزم بداند و در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در سال ۹۴، در هماهنگی کامل با شورای‌عالی سیاست‌گذاری اول و به‌گونه انضمامی و ادغامی در آن به فعالیت پرداخت که حاصل آن، پیروزی چشمگیر در شرایطی ویژه بود».

شکوری‌راد ادامه داد: در هر دو انتخابات، محوریت و نقش اثرگذار رئیس‌جمهور دوران اصلاحات در هدایت و انسجام‌بخشی جریان اصلاح‌طلب و آثار بی‌بدیل پیام‌های ایشان در ترغیب عموم جامعه، آن هم در نهایت محدودیت، برجسته و چشمگیر است. «گفتمان اصلاحات» به هر دو انتخابات رنگ و جلوه‌ای ویژه داد و رویکرد اصلاح‌گرانه را به مبنای داوری و مشارکت در انتخابات تبدیل کرد.

او با اشاره به اینکه شعارها و خواسته‌های اصلاح‌طلبانه ملت بر همه اجتماعات انتخاباتی غلبه کرد، می‌گوید اصلاح‌طلبان توانستند به اعتبار موفقیت‌های انتخابات سال ۹۲ ریاست‌جمهوری و آثار مبارک همکاری مؤثر با جریان‌های اعتدالی و حتی اصولگرا که آهنگ بازگشت به قانون را داشتند، تجربه دموکراتیک جدیدی را آغاز کنند که انتخابات سال ۹۴ و ۹۶ گام‌های بعدی آن بود.

دبیر کل حزب اتحاد ملت: حمایت بی‌دریغ اصلاح‌طلبان از روحانی در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، در گام نخست پیروزی چشمگیری را در انتخابات به ارمغان آورد و در گام بعدی بر سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان در جامعه افزود. اینک همه مردم چشم‌انتظار کارآمدی این دولت در تحقق مطالبات هستند

شکوری‌راد اظهار کرد: این گام‌ها رو به‌سوی گشودن مسیر جامعه به طرف گفت‌وگو، فعالیت مدنی و تقویت مردم‌سالاری بود. هر سه گام‌های پیروز در این سه مقطع، محصول یک درک و دریافت مشترک از وضعیت موجود و هدف‌گذاری قابل حصول بر مبنای آن است. دریافت مشترک از وضعیت موجود شامل درک درست تحولات و تغییرات و گرایش‌های جدید جامعه، سنجش واقعی خواسته‌ها و مطالبات مردم، برآورد دقیق نقش‌های گفتمانی و ظرفیت‌های تشکیلاتی اصلاح‌طلبان، ارتقای قابلیت‌های تعامل با اعتدال‌گرایان و اصولگرایان معتدل، حفظ انسجام و روحیه سیاسی و اتکا به پتانسیل همگرایی و اقدام مشترک در برابر جریان‌های سیاسی رقیب و نیز بهره‌گیری مناسب از امکانات در دسترس از جمله فضای مجازی و رسانه‌ای و قدرت شبکه‌ای بوده است.

دبیرکل حزب اتحاد ملت در ادامه بیان کرد: اکنون جامعه ما توانسته است گام‌های اول و دوم و سوم مردم‌سالارانه و اصلاح‌طلبانه را که مهم‌ترین دستاورد آنها تثبیت نقش و جایگاه اصلاح‌طلبان در عرصه سیاسی و طرح مطالبات اصلاح‌طلبانه است، بردارد. نتیجه این تحول، گشایش در سیاست خارجی، افزایش نسبی آزادی‌ها و فعالیت‌های قانونی و سیاسی‌ترشدن فضای جامعه در دولت یازدهم است که نماد بارز آن گسترش فعالیت احزاب و نهادهای مدنی و مطبوعات، بازترشدن فضای مجازی و ترسیم افق جدیدی پس از انتخابات اردیبهشت ۹۶ است.

شکوری‌راد با بیان اینکه سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه نه به تک‌صدایی می‌اندیشد و نه به حذف رقیب، گفت: اهداف و روش‌های اصلاح‌طلبانه در برابر گرایش‌های رقیب صرفا مبتنی بر متقاعدکردن آنها به تمکین به قانون و دست‌برداشتن از روش‌های حذفی است.

او اضافه کرد: آنچه جناح رقیب اصلاحات دیرزمانی گمان می‌کرد نقطه قوت و برگ برنده او در مصاف‌های سیاسی و انتخاباتی است، امروز به وضوح تبدیل به اصلی‌ترین نقطه ضعف آنان شده است. دوپینگ مکرر سیاسی برای جریان محافظه‌کار عملا بدنی نحیف و چهره‌ای عبوس و خالی از جذابیت‌های سیاسی به‌جا گذاشته است، امیدواریم که افراد و شخصیت‌های مؤثر در این جریان به اصلاح امر سیاست و رقابت در ایران اقدام و امکان رقابت‌های عادلانه قانونی را فراهم کنند. اصلاح‌طلبان رقیب خود و فرایند رقابت را به رسمیت می‌شناسند و خواسته اولیه آنان این است که رقبا نیز آنها را به رسمیت بشناسند.

همچنان که شکوری‌راد گرم سخنرانی است، در گرماگرم کنگره، کنش شخصیت‌ها سوژه عکاسان شده است. الهه کولایی و آذر منصوری گه‌گاه سرشان را به طرف یکدیگر می‌چرخانند و گپ می‌زنند. عبدالله نوری از گوشه عینکش به عکاسی که سوژه او شده است، نگاه می‌کند. بهزاد نبوی با پیراهن سبزرنگش که از شلوار بیرون آمده، با هادی خانیکی پچ‌پچ می‌کنند. محسن هاشمی در ردیف اول دست‌هایش را روی هم گذاشته و مستقیم شکوری‌راد را می‌نگرد. عبدالله رمضان‌زاده دست‌هایش را گره کرده است. حجاریان کاپشن پوشیده و با جدیتی خاص به سخنرانی گوش می‌کند. تاجزاده گردنش را کج کرده و با همسرش محجوبانه در ردیف هفتم نشسته‌اند. میردامادی دستش را زیر چانه‌اش ستون کرده و گوشه چشمی به انصاری‌راد دارد. جلالی‌زاده برگه‌ای دستش گرفته و هرازگاهی از بالای عینکش که نزدیک است بیفتد، نگاهی می‌اندازد. کواکبیان آرام نشسته و به میکروفون نگاه می‌کند؛ انگار دوست دارد نطق کند.

شکوری‌راد در بخش دیگری از سخنانش گفت: ما هنر سیاست‌ورزی را در این افق در درجه اول توسعه گفتمان اصلاحات می‌دانیم. درحال‌حاضر این وفاق اصلاح‌طلبانه وجود دارد که برای برداشتن قدم‌های بلند و موفق باید فعالیت جبهه‌ای داشت. جبهه‌ای متشکل از همه احزاب و اشخاص اثرگذار که ذیل راهبری معنوی یا تشکیلاتی رئیس‌جمهوری دوران اصلاحات فعالیت کنند، در این مقطع راهگشاست. به یاد آوریم که به ابتکار ایشان و با محوریت شورای مشورتی در سال ۹۲ و شورای‌عالی سیاست‌گذاری اول در سال ۹۴ و شورای‌عالی سیاست‌گذاری سوم در سال ۹۶ اصلاح‌طلبان توانسته‌اند سه گام بلند و پیروزمندانه بردارند. تجمیع تجربیات این سه دوره می‌تواند در فرصت مناسب باقی‌مانده تا انتخابات مجلس یازدهم در سال ۱۳۹۸ سازوکار مناسب‌تر و پویاتری در عمل بیابد.

وی تصریح کرد: سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان که مهم‌ترین عامل قدرت اصلاح‌طلبان است، برآمده از اعتماد ملت و رأی مردم برای حضور آنان در هر مقام و منصب و موقعیت است که باید بر این سرمایه افزود؛ چون بدون بقا و دوام آن فرایند اصلاح‌طلبی نیز به خطر خواهد افتاد.

دبیر کل حزب اتحاد ملت افزود: حمایت بی‌دریغ اصلاح‌طلبان از جناب آقای دکتر روحانی در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، در گام نخست پیروزی چشمگیری را در انتخابات به ارمغان آورد و در گام بعدی بر سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان در جامعه افزود. اینک که همه مردم چشم‌انتظار کارآمدی این دولت در تحقق مطالبات هستند، مسلم است که تلاش برای به‌کارگیری نیروهای اصلاح‌طلب در سطوح مختلف دولت نشانه آشکاری است از اینکه به مطالبات اصلاح‌طلبانه مردم در انتخابات توجه شده است.

شکوری‌راد یادآور شد: رئیس‌جمهوری که ادعای برخاستن از اردوگاه اصلاح‌طلبی نداشته است؛ اما طعم رویکردهای اصلاح‌طلبانه خود را در میزان رأیی که مردم به او داده‌اند، چشیده است، دور از انتظار نیست که از نیروهای اطراف خود بخواهد که رویکردهای اصلاح‌طلبانه داشته باشند و نتیجه‌اش را در امید و اعتماد مردم ببینند.

شکوری‌راد با اشاره به اینکه رقیب هیچ حزب اصلاح‌طلبی نیستیم، گفت: تقویت و اقتدار سایر احزاب اصلاح‌طلب را منطبق بر منفعت اصلاح‌طلبی می‌دانیم و آن را به نفع خویش نیز می‌پنداریم. به این سبب انتظار داریم که احزاب اصلاح‌طلب دیگر نیز از توسعه‌یافتن و قوی‌شدن حزب اتحاد احساس قدرت کنند و خدای ناکرده هیچ‌گاه نگران نباشند.

او با بیان اینکه حزب اتحاد دست یاری به سوی همه احزاب اصلاح‌طلب دراز می‌کند و آماده است در کنار تقویت خود به تقویت آنان نیز کمک کند و از تجربه‌های آنان بیاموزد، گفت: درهای حزب اتحاد در سراسر کشور به سوی همه اصلاح‌طلبان که مرام‌نامه و اساسنامه آن را بپذیرند، باز است.

دبیر کل حزب اتحاد ملت در ادامه گفت: حزب در این رویکرد به جوانان، به زنان، به اقوام و نخبگان در ارتقای نقش‌ها و فعالیت‌های تشکیلاتی توجه ویژه خواهد داشت. همه باید از توانمندی احزاب استقبال کنند، چون توانمندی جامعه و نظام سیاسی است.

شکوری‌راد در پایان افزود: حزب اتحاد امیدوارانه به آینده می‌نگرد و مسیری را که برگزیده است بدون تردید می‌پیماید. رعایت و اجرای قانون اساسی به صورت کامل به‌ویژه فصل حقوق ملت که همچنان مورد بی‌مهری است، در رأس مطالبات و برنامه‌ها خواهد بود.

حزب اتحاد در ۳۱ فروردین ۱۳۹۴ با موافقت کمیسیون ماده ۱۰ احزاب از وزارت کشور مجوز گرفت و نخستین کنگره‌اش در مرداد ۱۳۹۴ در تهران برگزار شد.

عکس: احسان قلمچی، شرق

انتخاب اعضای شورای مرکزی

پس از برگزاری انتخابات شورای مرکزی در سومین کنگره سراسری حزب اتحاد ملت ایران اسلامی، هادی خانیکی، حمیدرضا جلایی‌پور، علی شکوری‌راد، آذر منصوری، محمد نعیمی‌پور، جلال جلالی‌زاده، مرتضی مبلغ، سیدشمس‌الدین وهابی، سیدعمادالدین خاتمی، حسین کاشفی، غلامرضا انصاری، محمد کیانوش‌راد، ساجده عرب‌سرخی، رضا باوفا، حسین نورانی‌نژاد، سیدمحمود حسینی، حجت‌الله شریفی، زهره آقاجری، محمود میرلوحی، محمد فاضلی‌کیا، حیدر زندیه، رحیم عبادی، حسین نقاشی، اروجعلی محمدی، زهرا مجردی، مجتبی بدیعی، اشرف‌السادات بروجردی، سعید شریعتی، امیر آریازند و محمد رمضان‌زاده برای یک دوره دوساله به‌عنوان اعضای اصلی این شورا انتخاب شدند. همچنین علی شکوری‌راد با رأی اکثریت مطلق اعضا برای یک دوره دوساله دیگر به‌عنوان دبیرکل حزب اتحاد ملت ایران اسلامی انتخاب شد.

ادامه از صفحه ۶

گفتار طالقانی و پارادایم‌های زمانه

این موضوع در دوره طالقانی مطرح نبود و جهان در آرامش کلاسیک خود به‌سر می‌برد: در روابط بین‌الملل قدرت بین دو بلوک کاپیتالیسم و کمونیسم تقسیم شده بود و گفتارها اغلب متأثر از نظم حاکم بر دو جهان در سپهر کلان‌روایت‌ها (اعم از لیبرالیستی و کمونیستی و دینی و...) خوش‌غنود بودند و معیاری ارزشی براساس تقابل‌های دوگانی، ترقی‌خواهی و ارتجاع‌گروی مهر خود را بر پدیده‌های انسانی- اجتماعی می‌زدند. اگر حیات فکری و مبارزاتی طالقانی را به سه دوره: قبل از جریان ملی‌شدن نفت به رهبری دکتر مصدق؛ از جریان ملی‌شدن تا سال ۱۳۴۴؛ و از سال ۱۳۴۴ تا پایان عمرش تقسیم کنیم، او در دوره میانی با توجه به تحولات زمانه و اوج نهضت ملی دل به استقلال و آزادی‌خواهی بسته بود و این مشی در کنار مهندس بازرگان و دکتر سحابی همچنان ادامه داشت تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بعد مبارزه با رژیم شاهنشاهی تا سال ۱۳۴۴ که منجر به دستگیری و محاکمه‌شدن او و دیگر سران نهضت آزادی شد و از آن پس با بهره‌گیری تجارب مبارزاتی استقلال‌خواهانه و جمع‌بندی از سیر مبارزات مردم از مشروطه تا ۱۵ خرداد ۴۲ از مشی میانه‌روانه به رادیکالیسم گراییده و از گفتار استقلال‌خواهی به گفتار آزادی‌خواهانه و عدالت‌خواهانه فرابالید و با تمرکز بر قرآن و تفسیر آیه‌های حیات‌بخش و حرکت‌آفرین آن، آموزه‌های قرآنی را در حیات اجتماعی و عرصه تضادهای زندگی و درگیری‌های مبارزاتی وارد و بینش نسلی را درباره قرآن و آموزه‌های آن دگرگون کرد. او با تکیه بر کار جمعی و شورایی و پراکسیس (عمل مبتنی بر ایمان: عمل انسان‌ساز) در کنار بزرگانی مانند حنیف‌نژاد و شریعتی، با طرح مباحث ایمانی و عوض‌کردن شاخصه‌های «کفر» و «ایمان»، نیروی نسلی را از درافتادن به خرده‌کاری‌ها و برخوردهای کور ضدی-ذهنی و عکس‌العملی در قبال پدیده‌ها و تضادهای زمانه رهایی بخشید. او مانند بزرگان پیش‌گفته با رویکرد ایدئولوژیک، قرائتی از توحید و رابطه ذات و صفات داشت که از حیث کلامی بدیع بود. آنها با تلقی از توحید به‌مثابه جهان‌نگری و وحدت در هستی (اعم از طبیعی و اجتماعی)، رابطه ذات و صفات را به رابطه ذات و زمینیان تبدیل کردند. این نگرش برخلاف نگرش سنتی کلامی که رابطه ذات و صفات در قلمرو ذات واجب محدودی شد، رابطه ذات و صفات را به رابطه انضمامی ذات و زمینه آن گسترش داد و برخلاف آموزه‌های مکتبخانه‌ای که خدا یکی است و لاغیر و از توحید، فردیت ذات فهمیده می‌شد، آن را در کادر هستی، در جهان‌نگری، در جهت‌گیری‌های انسانی اجتماعی قرار داد. در معرکه و آوردگاه روزگار و صحنه تضادها و چالش‌ها عرضه کرد و برخلاف نگرش سنتی و کلاسیک که خداناباوران را مشرک و کافر قلمداد می‌کردند که البته در عصر وحی و نزول قرآن به دلیل پیوند و همخوانی بین جهان‌نگری مشرکان با زیست اجتماعی مبتنی بر کثرت و تبعیض نژادی و طبقاتی و اجتماعی طبیعی به‌نظر می‌رسید؛ اما در عصر طالقانی و شریعتی، بودند جوانان و مبارزانی که دلی مؤمن داشتند و مغزی کافر؛ و از حیث فلسفی به مونیسم (یکتاانگاری) در هستی قائل بودند و در هستی اجتماعی هم به وحدت انسانی و اجتماعی و طبقاتی؛ و در راه آرمان و اندیشه‌شان ایثارها و ازخودگذشتگی‌ها نشان داده بودند و دیگر نمی‌شد با همان بینش سنتی و کلاسیک آنها را از مصادیق و شرک و کفر به شمار آورد. بودند و هستند کسانی که به خدا و یکتایی او قائل هستند؛ اما در هستی اجتماعی به شکاف و نابرابری صحه می‌گذارند و می‌گویند اگر در جامعه فقیر نباشد؛ پس ما برای ادای وظیفه دینی چه باید بکنیم. باید شکاف‌ها و حفره‌هایی در جامعه باشد تا کسانی با انفاق‌کردن و صدقه‌دادن به نیازمندان ادای وظیفه بکنند یا می‌گویند اگر سپور و رفته‌گر نباشد؛ پس چه کسی آشغال‌های خانه ما را ببرد. اینان نابرابری را که در تاریخ شکل گرفته و به دست انسان‌ها ایجاد شده، طبق نگرش کلامی به «نظام احسن» تعبیر می‌کنند و صحه‌گذار آن هستند. درحالی‌که طالقانی‌ها و شریعتی‌ها بر آن بودند که نابرابری که شأن تاریخی دارد و به دست انسان‌ها رقم خورده است، باید به‌دست انسان‌ها ریشه‌کن شود؛ نه آنکه پدیداری آن را به علم و اراده خدا بازگردانند. بنابر همین نگرش بود که طالقانی و شریعتی و حنیف‌نژادها از نشست و برخاست با مارکسیست‌هایی که قلبی مؤمن داشتند و مغزی کافر، ابایی نداشتند و به جای طرد آنها باب گفت‌وگو و مداراگری با آنان را باز می‌کردند و از درافتادن با مارکسیسم‌ستیزی که رژیم شاهنشاهی پهلوی از آتش‌بیاران آن معرکه بود، پرهیز می‌کردند. گفتنی است راه و روش این دسته از اصلاحگران دینی نه‌تنها موجد خشونت‌گرایی و رشد بنیادگرایی نشده نشده؛ بلکه برعکس با بازگشوده‌شدن راه میانه با فکر و مشی آنان، جامعه ایران از دوقطبی سنت‌گرایی-مدرنیسم فاصله گرفته و تهدید بنیادگرایی را به فرصت نوگرایی و نواندیشی دینی تبدیل کرده است. اصلاحگرانی نظیر طالقانی و شریعتی از حیث روش و بینش و منش در مواجهه با دشمنان و رقیبان فکری-سیاسی خود پایبند به اصول بودند و با اتخاذ مواضع اصولی و روشن، راه خود را از بینش‌های تنگ‌نظرانه و انحصارگرانه جدا می‌کردند.

*پژوهشگر حوزه دین

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۶

ستایشگر آزادی و کرامت انسانی

وی نقطه مقابل آزادی و دشمن آن را «استبداد» می‌دانست و معتقد بود دستیابی به آزادی، مستلزم رهایی از بند استبداد و طاغوت است. مرحوم طالقانی، شخصیتی چندبُعدی و جامع‌الاطراف داشت و در عرصه نظر و عمل؛ قائل به تساهل و مدارا، سعه‌صدر و خرد جمعی و از طرفی مخالف با هرگونه اجبار و تحمیلِ فکر و عقیده در دین بود. او به مصداق آیه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» معتقد و مدافع آزادی بیان، آزادی اندیشه و عقیده بود و از همین منظر به دیدگاه، افکار و سلایق مختلف و حتی از سوی مخالفان، احترام می‌گذاشت و معتقد بود که نباید از اظهارنظر و بیان دیدگاه‌های مخالف وحشت داشت، بلکه باید با سعه‌صدر و به دور از هرگونه تعصب، جزم‌اندیشی و پیش‌داوری سخنان و دیدگاه‌های سلایق مختلف را شنید و مورد نقد و بررسی منصفانه قرار داد.

سعه‌صدر و روحیه مدارا و نگاه نوگرایانه طالقانی، سبب شد تا وی نزد گروه‌های مختلف سیاسی و فکری محبوبیت پیدا کند و آنها نیز به وی احساس نزدیکی کنند. طالقانی معتقد بود اسلام دین رحمت است و برهمین‌اساس وی در طول عمر خود و در حوزه نظر و عمل، چهره اسلام رحمانی را به نمایش گذاشت.

آحاد مردم و گروه‌های مختلف فکری و سیاسی، آیت‌الله طالقانی را نمادی از یک عمر مجاهدت در راه رسیدن به آزادی، حاکمیت مردم و مدافع حقوق مردم می‌دانستند و برهمین مبنا او را به‌عنوان یک چهره کاریزماتیک و محبوب مورد تکریم قرار می‌دادند که همچنان نیز با گذشت ۳۸ سال از درگذشت این روحانی نواندیش، از وی به نیکی یاد می‌شود، اما این دلیل نمی‌شود که اندیشه‌های طالقانی مورد نقد و بررسی قرار نگیرد، زیرا نه‌تنها طالقانی، بلکه هیچ متفکر و صاحب‌نظری عاری از خطا و اشتباه نیست.

پی‌نوشت:

۱- سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، اسلام سیاسی در ایران، انتشارات دانشگاه مفید، چ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵ و ۲۰۵